

با ظهور عصر روشنگری در اروپا و نگرش نوین به حوزه علوم، به ویژه علوم محض و کیهان‌شناسی و زمین‌شناسی و زیست‌شناسی، رفته‌رفته مبانی طبیعیات اندیشه‌های ارسطویی مورد انتقاد قرار گرفت، و بالتبع مشکلات نوینی در عرصه‌های متافیزیک و علوم دینی به وجود آورد.

یکی از این مشکلات، نظریه تکامل داروین بود. داروین اگرچه خود در ابتدا دانش آموخته لاهوت مسیحی بود، ولی دل‌باختگی وی به علوم طبیعی، وی را به یکی از برجسته‌ترین زیست‌شناسان عصر روشنگری تبدیل کرد. نظریه تکامل وی اگرچه خاستگاه الحادی نداشت، ولی پیامدهای کلامی آن، امری غیرقابل انکار بود. نظریه وی عملاً با چهار حوزه^۱ به چالش برخاست.

۱. خداوند و طبیعت: چون در نظریه تکامل، روند کمال موجودات، به تدریج و در طی قرون بود، بنابراین هیچ دلیلی برای اتقان صنع اولیه الهی دیده نمی‌شود و چه بسا بنابر انتقاد هیوم، نظم رایج محصول آزمون و خطاها، و تمادی زمان است.

بنابراین نظریه تکامل، اتقان صنع الهی را به چالش می‌کشد^۲ و در قرائت افراطی آن، اتقان صنع‌های موجود را محصول اتفاق می‌بیند.

۲. انسان و طبیعت: بنابر آموزه‌های سنتی، انسان تافته جدابافته‌ای در خلقت الهی محسوب می‌گردد؛ حال آنکه بنابر نظریه تکامل، وی محصول طبیعت است؛ لذا بازیابی ویژگی‌های انحصاری انسان، خود تأمل دیگر را می‌طلبد.

۳. اخلاق تکاملی: بنابر نظریه تنازع بقاء و انتخاب اصلح، هیچ استبعادی نخواهد داشت که اخلاق در هر حوزه معنی خاص خود را دهد و عملاً اخلاق مطلوب طبقه برتر چیزی جز اخلاق مرتبه مادون باشد. این ثمره نظریه تکامل حتی پیروان نظریه تکامل را آشفته ساخت تا بدان جا که هاکسلی اعتراف داشت: هنجارهای اخلاقی را نمی‌توان از تکامل اتخاذ کرد.^۳

۴. تعارض با کتاب مقدس: بنابر مسفورات عهد عتیق و تبارشناسی حضرت آدم، خلقت حضرت آدم اندکی بیش از شش هزار سال است؛ حال آنکه با توجه به نظریه تکامل و کاوش در بقایای انسان، این نظریه تأیید نمی‌گردد. گفتنی است تعارض کتاب مقدس و علم، خود از مباحث بنیادین الهیات نوین در عصر روشنگری است؛ زیرا افزون بر نظریه تکامل، مبحثی در نظریه‌های کیهان‌شناسی نیز مخالف آن می‌باشد.

بدیهی است با توجه به مشکلات فوق، اگرچه الهیات سنتی دینی

۱. رک به: علم و دین؛ ص ۱۱۱-۱۲۱.

۲. داروین خود از منتقدان برهان اتقان صنع الهی، نیست (رک به: همان، ص ۱۱۳).

۳. همان، ص ۱۱۹.

نقد و بررسی کتاب

علامه نجف و نقد فلسفه داروین

حامد ناچ اصفهانی

چکیده: علامه محمدرضا نجفی اصفهانی از علمایی بود که با نگاهی انتقادی به جرح نظریه تکامل داروین پرداخت. وی در کتاب «نقد فلسفه داروین» خود با بهره‌گیری از قدرت برهان منطقی و نه استفاده از مبانی نقلی (قرآن و سنت) به مصادف این جریان فکری رفت. نویسنده در مقاله حاضر پیش از معرفی درون‌مایه نقد علامه نجفی، اشارتی گذرا به زندگانی و آثار وی دارد. سپس تاریخچه‌ای از کتاب نقد فلسفه داروین علامه را بیان و در ادامه محتوای بخش‌های کتاب علامه را به طور مبسوط تشریح می‌کند. در نهایت جایگاه نقد علامه نجفی را مورد بحث قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: محمد رضا نجفی اصفهانی، نقد فلسفه داروین، معرفی کتاب

عبارتند از: وقایع الاذهان، أمجدیه، نجعة المرتاد فی شرح نجات العباد. وی افزون بر آثار علوم رایج در حوزه‌های فقه و اصول، آثار متعددی در حوزه ادبیات و علوم بلاغی و ریاضیات به رشته تحریر درآورده است؛ همچون: السیف الصنیع لرقاب منکرى البدیع، حواشی اُکرو تعلیقه بر شرح دیوان متنبی.

تاریخچه کتاب نقد فلسفه داروین

کتاب نقد فلسفه داروین در واقع در پاسخ به نظریه تکامل و لوازم غیرعقلی و دینی این نظریه به رشته تحریر درآمده و از آنجا که مهم‌ترین شارح عربی داروین در سده گذشته شبلی شمیمیل (chemayel chibli) بوده، بخش اول نگارش علامه نجفی متکفل

پاسخگویی به اثر وی است.

شبلی شمیمیل در سال ۱۸۵۰م در روستای کفرشیمان لبنان در خانواده‌ای ارتودوکس زاده شد. وی پزشکی را در دانشکده پروتستانی سوریه فراگرفت و در سال ۱۸۷۵م برای ادامه تحصیل پزشکی به پاریس رفت و در آنجا با آرای اسپنسر و داروین درباره تکامل انواع آشنا شد. در پی آن به ترجمه کتاب «شش سخنرانی درباره نظریه داروین» از

لودویک بوخنر در ارتباط بین مادیگری و نظریه داروین، همت گمارد. وی پس از چندین از پاریس به مصر بازگشت و به حرفه پزشکی خود مشغول گشت و در طی آن، به نگارش مقالات گوناگونی در مجلاتی چون: مصر الفتاة، سرکیس، المقتطف، المقتطم، المؤید، الوطن، الهلال و الجریدة پرداخت. وی که از یک سوبه نظریه تکامل انواع و از سوی دیگر مایل به کمونیسیم اجتماعی و سیاسی بود، به طور غیابی از طرف دادگاه عثمانی در مصر به اعدام محکوم گشت؛ ولی خود در سن ۶۷ سالگی در سال ۱۹۱۷م درگذشت. از وی افزون بر «مجموعه فلسفه النشوء والارتقاء»، مجموعه مقالاتی در بردارنده ۶۹ مقاله به چاپ رسیده است.^۶

فلسفه النشوء والارتقاء

این اثر بنا بر مقدمه چاپ دوم آن - در چاپخانه المقتطف مصر، ۱۹۰۰م - قبلاً دو بخش از آن به شرح ذیل به طور مجزا چاپ شده است:

الف) شرح بخنر علی مذهب دارون،^۷ سال ۱۸۸۴م.

ب) کتاب الحقيقة،^۸ سال ۱۸۸۵م.

اما در چاپ دوم این اثر، سه بخش بر آن افزوده شده و مجموعه آن «فلسفه النشوء والارتقاء» نامگذاری شده است. این سه بخش عبارتند از:

ج) مباحث و مناقشات در حیات و اثبات مادیگری، که قبل از ۱۹۱۰م

سودای آشتی با این نظریه را ندارد، ولی چگونگی پاسخگویی به این نظریه، خود ماجرای دیگر است.

نظریه تکامل داروین بیش از یک قرن پیش توسط نشریات عربی وارد حوزه اسلام شد و چنانچه خواهد آمد، یکی از شیفتگان آن به نام شبلی شمیمیل به ترویج و اشاعه آن پرداخت. این امر، دانشوران حوزه اسلام را بر آن داشت که به مواجهه با آن اقدام کنند که در این راستا برخی با نگاهی اعتدالی به مصاف آن رفتند و برخی با نگاهی انتقادی.

علامه ابوالمجد شیخ محمد رضا نجفی اصفهانی (۱۲۸۷ - ۱۳۶۲ق)

که از علمای برجسته نجف اشرف در آن روزگار

است، با نگاهی انتقادی به جرح این نظریه پرداخت. وی در کتاب «نقد فلسفه داروین» که معرفی آن در ذیل خواهد آمد، با بهره از قدرت برهان منطقی، و نه استفاده از مبانی نقلی (قرآن و سنت) به مصاف این جریان فکری رفت و خود در نامگذاری کتابش «نقد فلسفه» بر این نکته واقف بود که این نظریه صرفاً یک اندیشه علمی نیست و توان تغییر در اندیشه‌های دینی را دارد.

در این مقام پیش از معرفی درونمایه نقد علامه نجفی، اشارتی گذرا به زندگانی وی خواهیم داشت.

حیات علامه نجفی^۴

علامه شیخ محمد رضا فرزند شیخ محمد حسین،^۵ فرزند شیخ محمد باقر، فرزند شیخ محمد تقی صاحب کتاب مشهور «هدایة المسترشدين» (حاشیه بر معالم الاصول) است. وی در محرم سال ۱۲۸۷ ق در نجف به دنیا آمد و در حدود ده سالگی به مسقط الرأس اجداد خود، اصفهان آمد و پس از دو سال اقامت در اصفهان، در سال ۱۳۰۰ ق دوباره به نجف بازگشت و تا سال ۱۳۳۳ ق در عراق رحل اقامت افکند. وی پس از اقامتی کوتاه در اصفهان در سال ۱۳۴۴ ق به قم مراجعت کرد و پس از اقامتی یک ساله در قم، دوباره به اصفهان بازگشت؛ تا آنکه در سال ۱۳۶۲ ق دعوت حق را لبیک گفت و به سرای باقی شتافت.

او افزون بر استفاده علمی از پدر دانشمندش، از محضر استادان بزرگی چون سید ابراهیم قزوینی، شیخ الشریعه اصفهانی، آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی، سید محمد فشارکی اصفهانی، میرزا حبیب الله عراقی، حاجی نوری، سید مرتضی کشمیری و حاج آقا رضا همدانی بهره برد تا بدان جا که یکی از برجسته‌ترین نام‌آوران عصر خود شد.

تا کنون از علامه نجفی ۳۲ اثر شناخته شده که مشهورترین آنها

۴. برای مطالعه تفصیلی زندگی وی، رک به: قبیله عالمان دین؛ ص ۸۷ - ۱۱۵ و علماء الامره؛ مقدمه نقد فلسفه داروین، ص ۶۳.

۵. از شاگردان میرزا میرزای شیرازی.

۶. رک به: معجم الفلاسفة؛ ص ۳۷۱.

۷. فلسفه النشوء والارتقاء؛ ص ۳۱۹ - ۳۲۴.

۸. همان، ص ۲۲۶ - ۳۰۷.

در نشریه المقتطف چاپ شده است.^۹

د) مقدمه دوم شمیل بر شرح بخنر، افزون بر مقدمه اولی که قبلاً نگاشته است.^{۱۰}

ه) خاتمه اثر^{۱۱} در بردارنده خلاصه نظرهای قبلی از دیدگاه فلسفه و علوم انسانی و تأثیر این افکار از دیرباز تا عصر حاضر.

باب دوم: در ثبوت مذهب داروین و فساد نقیض آن؛

مشمول بر یک دیباجه و هفت فصل و یک خاتمه: در تغییر انواع، تنازع بقاء و انتخاب طبیعی، اشکالات وارد بر خصم، انسان و سایر حیوانات، ارتقاء، ادله ارتقاء و سلسله مراتب آن، و دفع اعتراضات وارد بر ارتقاء و سلسله مراتب آن.

مؤلف در خاتمه خود، به عدم تعارض مذهب

داروین با اصل وجود خدا پرداخته است.^{۱۴}

بخش اول کتاب: یعنی شرح بخنر^{۱۲} بر مذهب

داروین، خود مشتمل بر پنج مقاله است:

مقاله اول: در تحلیل مذهب داروین و اصول آن؛

مقاله دوم: در نقد اعتراضات برداروین و بررسی اصل زبانها و دفاع از داروین؛

مقاله سوم: در تطبیق مذهب داروین بر انسان، و بررسی شکاف روزافزون بین انسان و حیوان و بیان اصل انسان؛

مقاله چهارم: بررسی تکامل و ارتقا در طول ادوار کره زمین، و بررسی قوانین آن؛

مقاله پنجم: چگونگی ارتباط نظریه داروین به فلسفه مادی، و بررسی اقوال موجود در آفرینش جهان.

باب سوم: در آرای دانشمندان علوم طبیعی در

اصل عوالم؛

مشمول بر هشت فصل: جوهر فرد، رأی تامسون در

جوهر فرد، وحدت عناصر و قوا، اختلاف طبع به

حسب اختلاف وضع، تساوی قوه و جوهر، کشف خلط و اظهار غلط، مناظره اصحاب خلق و اصحاب قدم، و فصل الخطاب بین اصحاب خلق و اصحاب قدم.

باب چهارم: در حیات.

مشمول بر چهار فصل: درباره حیات، تولد ذاتی (نظریه خلق الساعه)، ماده حیات داروین پروتوپلاسم.

بخش دوم: رساله الحقیقه، در بررسی ردهای موجود بر مذهب داروین.

این رساله، در واقع تکمله پاسخ مؤلف، به ردیه ای است که علیه داروین نگاشته شده است. شمیل این رساله را در چهار باب به رشته تحریر درآورده است:

علامه مسجد شاهی و نقد فلسفه داروین

نقد علامه نجفی بنا بر نسخه موجود آن، دارای دو دفتر است:

دفتر اول

مؤلف علامه، بخش اول کتاب خود را به نقد

مقاله اول رساله فلسفه النشوء و الارتقاء از

لودویک بخنر اختصاص داده است و اثر خود را

در سه مقاله به رشته تحریر درآورده است.^{۱۵} وی این اثر را در روز شنبه، دهم ربیع الثانی سال ۱۳۳۰ به انجام برده است.

بر حسب یادداشت موجود در آخرین بخش، تحلیل بحث وراثت و مقایسه نظر داروین و ووسمن را به چاپ بعدی وانهاده است که متأسفانه چاپ مجدد کتاب میسر نشده است.

مؤلف علامه پیش از ورود به کتاب، انگیزه خود را در نگارش این بخش، در دو مسئله، می داند:

۱. پاسخ به شبهات اهل تعطیل: چنان که خواهد آمد، یکی از لوازم نظریه تکامل، عدم مداخله حضرت حق سبحان در بقای خلقت

باب اول: در مذهب داروین و علماء النظر؛^{۱۳}

مشمول بر چهار فصل در ماده و قوه، وجود معنوی و وجود مادی، رد مخالفان در صفات موجود در اجسام، و معرفت اصل انسان.

۹. همان، ص ۳۱۰ - ۳۴۲.

۱۰. همان، ۱ - ۳۷.

۱۱. همان، ۳۶۳ - ۳۶۷.

۱۲. در مقدمه ترجمه کتاب فلسفه نشوء و ارتقاء به قلم اصغر حکمت آمده است: «پروفیسور لودویک بوخنر (Prof. Ludwig Bochner) فیلسوف و طبیب آلمانی متولد در شهر دارمشتادت در سال ۱۸۲۴ و متوفی در همان شهر به سال ۱۸۹۹ از مشاهیر فلاسفه مادی و از اطباء معروف است. آثار و کتب عدیده در اثبات فلسفه ماتریالیسم و بسط قضایای مربوط به «قوه ماده» از او منتشر گردید. وی مدتی در دانشگاه توبینگن (Tubingen) به تدریس طب اشتغال داشت. اولین کتاب مهم او به نام «نیرو و ماده» (Karft und Stoff) که به طور مبالغه آمیز در تبیین فلسفه مادی نوشته است، در آلمان شهرتی بسیار حاصل کرد و غوغایی برپا نمود و مخالفین بسیار علیه او برخاستند؛ به طوری که ناچار شد از کرسی استادی دانشگاه کناره گرفته و به دارمشتادت رفته، منوی گردد. وی در آنجا به طبابت مشغول بود. رساله ای که بر شرح تئوری دارون و تحول موجودات صاحب حیات نوشته است، شامل شش مقاله است که برای عده ای از شاگردان خود سخنرانی کرده است. آن کتاب در سال ۱۹۶۸ انتشار یافته است که اینک به فارسی ترجمه آن از نظر خواننده می گذرد».

۱۳. کذا در اصل.

۱۴. شاید این بخش برای ملاحظات و محافظه کاری های عصری نوشته شده باشد.

۱۵. در ادامه سخن به طور مبسوط به چگونگی نقد نجفی بر بخنر خواهیم پرداخت؛ لذا از اطاله سخن در این مقام خودداری می کنیم.

است، و این همان چیزی است که در کتاب‌های کلام از آن به نظریه «تعطیل» تعبیر می‌گردد.

۲. اثبات مطالب ربوبی و عدم تنافی آن با نظریه تکامل.

نکته درخور توجه در این مقام، عدم دفاع درون دینی - یعنی اسلامی - در مقابل نظریه تکامل است؛ چه این نظریه به نوعی معارض تمامی ادیان الهی است.

مؤلف پس از بیان دیباجه ای، کتاب خود را در سه مقاله سامان داده است:

مقاله اول: سیر تطور اسلام

بنا به رأی مؤلف، در اسلام سه دوره قابل بازشناسی است:

۱. عصر وحی یا همان عصر پیامبر، که در این عصر استدلال بر مطالب استدلال‌های ساده بوده و بالملازمه شبهات این دوران نیز شبهات ابتدایی بوده است.

۲. عصر خلافت عباسی یا عصر انتقال علوم به جهان اسلام، که این عصر مقرون به پاره‌ای از شبهات دشوار علیه کیان اسلام بوده است.

۳. عصر آمیزش با فرهنگ غرب، این عصر در نظر مؤلف، مقرون به مطالب بی‌شمار الحادی است که حتی دستمایه‌های علمی آن، از دوران درخشان فرهنگ اسلامی استفاده شده است؛ لذا در نظر مؤلف، در این دوران دو کار بایسته است:

الف) فراگیری دقیق دانش‌های غربی‌ای که در واقع برگرفته از مبانی علمی جهان اسلام است، و ترجمه آنها.

ب) افزودن ساختن مسائل این علوم با پردازش اصطلاحات مناسب با جهان اسلام.

حال اگر مسلمانان به این دو امر همت نگمارند، بدون شک آسیب‌های جبران‌ناپذیری بدان‌ها وارد خواهد شد؛ پس بر آن‌هاست که از سویی حق دین خود را با دفع شبهات برطرف کنند و از سوی دیگر حق علم و دانش را برآورده نمایند. در این راستا یکی از معضلات دینی و علمی، تحلیل نظریه تکامل است.

اما نکته درخور توجه در این مقام آن است که «نظریه تکامل» بالذات منافی دین نیست؛ زیرا این نظریه در واقع بیانگر چگونگی خلقت است نه معارض با اصل وجود خداوند و اوصاف کمالی او^{۱۶} و دقیقاً

از همین رود پاره‌ای از آثار داروین و هم‌مشریان وی، همچون لامارک، ولس، هکسلی و اسپنسر اعتقاد به وجود خداوند به چشم می‌خورد.^{۱۷}

لذا در این مقام اگر به امور ذیل توجه گردد، تحلیل مسئله دشوار نخواهد بود:

۱. علوم الهی برخلاف علوم طبیعی، متبدل نیست؛ بدان گونه که با ظهور یک پیامبر، مبانی اعتقادی نبی دیگر نقض شود، و این خصوصیت دقیقاً برخلاف علوم طبیعی است که با ظهور یک تئوری، عملاً نظریه قبل ازین می‌رود. از سوی دیگر بایسته ذکر است که در علوم دینی و الهی، گزاره‌های علمی‌ای وجود دارد که چه بسا علوم عصری قادر به تحلیل آن نباشد؛ همچون وجود

گروهی از مخلوقات غیر زمینی که از خلقت انسان بی‌اطلاع هستند.^{۱۸}

۲. در تعارض علم و دین باید توجه داشت که از یک سو قضایای یقینی به هیچ وجه مخالف دین نیست و از سوی دیگر دین هم منکر قوانین و اصول علی حاکم بر طبیعت نیست.

حال با توجه به دو اصل فوق باید توجه داشت بنا به تقریری «نظریه تکامل» در تعارض با دین است؛ زیرا بر اساس این نظریه، خلقت انسان تدریجی است و نه دفعی، و این امر معارض متون مقدس است.

در تحلیل تعارض فوق، باید گفت: از سویی بنا بر متون مقدس، خلقت انسان تکامل یافته حیوان و نبات نیست و از سوی دیگر عبارات متون مقدس در خلقت انسان نباید حمل بر مجاز گردد؛ زیرا متن کتاب مقدس در صورتی تأویل می‌گردد که یک دلیل قطعی عقلی معارض آن واقع شود؛ در صورتی که ادله و نظریه تکامل، قطعی نیست.

مقاله دوم: در تحلیل منشأ انسان

در این مقاله مؤلف با نقل دقیق ده دلیل در اثبات نظریه تکامل به جرح و نقد منطقی آن پرداخته است.

مقاله سوم: در تحلیل مبادی چهارگانه داروین

به روایت بختر، داروین برای استدلال بر نظریه تکامل، به چهار اصل توجه داشته است.

افزون بر آنکه بختر خود مخالف نظریه قصد و نظام اتم و غایت در خلقت اشیاء است، تلاش کرده است به جای این سه اصل الهی، چهار قانون: تنازع بقاء، پیدایش متباینات، تکامل، انتقال تکامل به

۱۷. همان، ص ۱۹.

۱۸. همان، ص ۳۷.

۱۶. نقد فلسفه داروین؛ ص ۱۸.

جایگاه نقد علامه نجفی

پس از انتشار آرای داروین و نگارش اثر جنجالی شبلی شمیل، متأسفانه، به جز تعداد معدودی از متفکران اسلامی، واکنش اساسی ای از خود نشان ندادند. بنا براسناد موجود جز رساله «نیجریه» سید جمال الدین اسدآبادی، و رساله شیخ اسدالله خرقانی و نقد فلسفه داروین علامه نجفی و شاید معدود آثار دیگر، نگاشته‌ای به رشته تحریر درنیامد.

بیش از نیم قرن پیش، مرحوم سید اسدالله رسا، با شکایت از روزگار خود، با اشاره به ارزش نگاشته مرحوم نجفی، چنین گفته است:

«من به ایجاد و بقای یک روحانیت معنوی و اساسی معتقد هستم؛ ولی به شرط آنکه پایه این روحانیت روی بنا و پایه روحانیت علی بن ابیطالب علیه السلام گذارده شود. من به روحانیتی علاقه مند و مشتاق هستم که از سرچشمه روحانیت جعفر صادق علیه السلام و موسی بن جعفر علیه السلام کمک و استعانت بجوید نه روحانیتی که به حال دنیا و ریاست و آقایی دنیا و پیشوایی مردم دنیا اختصاص پیدا کند. ایرانی همیشه خداپرست بوده است و زودتر از همه اقوام و ملل گیتی، صبح و شام، خداوند بزرگ و یکتا و عظیم را تسبیح و تقدیس می‌کرده است. ایرانیان وقتی آفتاب طلوع نکرده بود، از قله‌های مرتفع جبال، که اکنون یکی از اسناد زنده آن به نام آتشگاه در دست اصفهان است، خدا را به پاکی و

وراثت و انتخاب طبیعی را جایگزین کند؛ و بدین گونه وی قائل به استغنائی جهان از خالق در مقام بقاء است.^{۱۹} مؤلف علامه در این مقام همچون مقاله قبل، به نقد علمی تمام موارد همت گمارده است.

دفتر دوم

از بدایع موجود در کتاب «نقد فلسفه داروین»، همین دفتر است. پس از نگارش رساله الطیرهای گوناگون و «حی بن یقظان» ابن‌طفیل و آثار رمزی شیخ اشراق، هیچ یک از آثار بنیادین عقلی به زبان داستان و به ویژه مناظره به رشته تحریر درنیامده است. گویی در پی آشنایی اندیشمندان حوزه نجف با بهره از زبان داستان در ادبیات عصر روشنگری، علمای نجف نیز بدین مهم اقدام کرده‌اند که در این راستا «مدرسه سیار» علامه بلاغی و همین «نقد فلسفه داروین» بایسته ذکر است؛ ولی صد افسوس که این سنت پس از همان مقطع تاریخی، به جد دنبال گرفته نشد.

نجفی این بخش از اثر خود را به بررسی لوازم الهیاتی نظریه داروین اختصاص داده است و خود در عنوان آن می‌گوید: «القسم الثانی: فی الکلام علی إثبات الصانع جلت صنایعه و دحض شبهات المعطلین والنظرفی آمالهم من هذه الفلسفة و بیان حیلهم و مکائدهم». این دفتر مشتمل بر دو مقاله است:

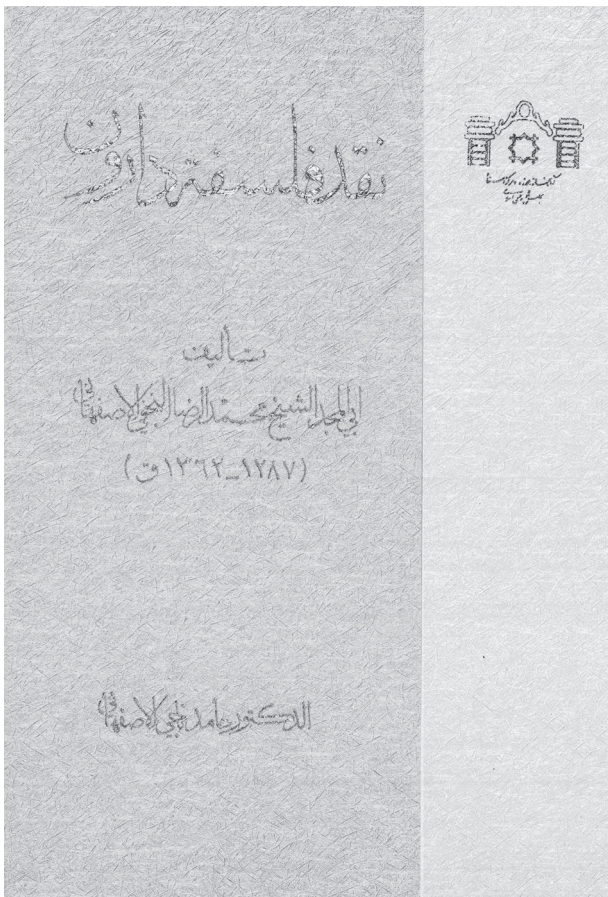
مقاله اول: این گفتار به بحث از اثبات صانع، تحلیل غایت، چگونگی ایجاد عالم از عدم، و عدم قدم ماده اختصاص داده شده که در طی آن به پاسخ دقیق شارحان داروین و چگونگی استدلال آنها اشاره شده است.

مقاله دوم: در دفاع از ادیان؛ این گفتار به پاسخ برخی شبهات عصری در نفی ادیان در دفاع از مادیگرایی و پاره‌ای از اقوال مارکسیستی اختصاص دارد.

چنان که پیش از این گفته شد، مناظره موجود در این اثر بین «مؤمن» و «معتل» صورت می‌گیرد؛ زیرا بر حسب ادعای برخی از شارحان داروین، بر اساس نظریه تکامل دگر نیازی به مداخله حضرت حق در خلقت نیست. در پی مناظره کوبنده مؤمن با معتل، سرانجام در آخر مقاله اول، معتل هدایت شده، می‌گوید: «جزیت خیرا من صاحب أخرجنی من ظلمة الإلحاد إلى نور الإیمان و غسل من درن الشبهات ما منحت به من سلامة الوجدان، وائی احمدک لما أولیتنی من الجمیل و أشکرک علی ما اهدیتنی إليه من سواء السبیل»؛ از این رودر مقاله دوم، نام «معتل» به «مهدی» تغییر می‌یابد.

مؤلف علامه در پایان این مجلد، منظور خود از نگارش این اثر را خدمت به دین و انسانیت دانسته است.

۱۹. این مبنا، همان قبول نظریه تعطیل در خلقت است.



اساس تحلیل‌های نقدی بر پایهٔ مطالب علمی و عقلی است نه دینی. و دقیقاً بر پایهٔ همین شناخت، برخی چون جرجی زیدان در مجلهٔ «الهلل» گفت: «هو کتاب لا نظیر له»^{۲۱} و علامه شیخ آقابزرگ تهرانی،^{۲۲} این اثر را بهترین اثر در ردّ مادیان دانسته است.^{۲۳}

در هر حال هرگونه قضایای دربارۀ این اثر، فرع خواندن و امعان نظر در این نگاشته پرازش است و چنانچه در بخش گزارش کتاب آمده، توان علمی کتاب و دوری آن از هرگونه تعصب دینی آشکار می‌گردد.

علامه نجفی در پی مهاجرت از نجف اشرف به ایران، در پی درخواست گروهی از شیفتگان خود، به تدریس همین اثر همت گماشت^{۲۴} که می‌توان در این میان از آیات ذیل نام برد:

۱. حاج آقا روح الله خمینی؛
۲. شیخ محمد باقر کمره‌ای؛
۳. حاج میرزا عبدالله مجتهدی تبریزی؛
۴. فرزند مؤلف حاج شیخ مجدالدین معروف به مجد العلماء نجفی.

از این اثر جاودان چندین ترجمه به زبان فارسی باقی مانده است:

۱. ترجمه فرزند مؤلف مرحوم آیه الله مجد العلماء نجفی که با حضور و نظارت والد انجام شده، ولی از آنجا که اختتام آن با فوت مؤلف همراه بود، مترجم تقریباً آن را به گوشه‌ای وا نهاده که متأسفانه بخشی از آن به مرور ایام آبدیده و غیر قابل استفاده شده است؛^{۲۵}

۲. ترجمه آیه الله شیخ حسن صافی اصفهانی که فقط در بردارندهٔ مجلد دوم است (مخطوط)؛
 ۳. ترجمه سید محمد جواد غروی (مخطوط)؛
 ۴. ترجمه سید حسن حسینی دولت‌آبادی، در بردارنده فقط بخشی از مجلد اول (مخطوط).
- خوشبختانه در پی تحقیق این اثر توسط نگارنده، ترجمه این اثر به اهتمام حفید مؤلف در دست تهیه است. این ترجمه بر پایهٔ دو ترجمه اول در اختیار اهل تحقیق قرار خواهد گرفت.

۲۱. رضا استادی؛ «حاج شیخ محمد رضا مسجد شاهی»، چهل مقاله؛ ص ۵۹۰.

۲۲. نباء البشر؛ رضا استادی، ج ۲، ص ۷۵۲.

۲۳. بنا به گزارش علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعة (ج ۱۷، ص ۲۰۹ و ج ۲۴، ص ۲۷۷) در زمان مؤلف شخصی به نام جمیل صدقی به خرده‌گیری از اثر علامه نجفی مبادرت کرده که نجفی در رساله «القول الجمیل» به وی پاسخ داده است.

۲۴. تدریس چنین اثری توسط یک مجتهد صاحب نفوذ نجفی، خود حکایتی خواندنی و عبرت‌آموز برای حوزه ماست که به علوم نقلی رایج اکتفا نکنند.

۲۵. این ترجمه نزد فرزند فاضل وی موجود است.

یگانگی یاد می‌کردند و همین که نورآیین حنیف اسلام از جزیرهٔ العرب ساطع گشت، از فراز گلدسته‌های مساجد، طوری که ملائکه آسمان و ساکنین عرش بشنوند، سحرگهان و ظهور هنگام آغاز تاریکی و ظلمت شب فریاد می‌کنند «شهادت می‌دهیم که خدایی جز ذات اونیسست و خدا یکی است». ایرانی همیشه از روحانیتی که او را به طرف معارف و فرهنگ اسلامی و حقایق این دین مقدس راهنمایی نماید، پشتیبانی و طرفداری کرده و باز هم می‌کند. اگر دیدید تقوا و پرهیزکاری و علم و عمل به احکام خداوند و مبارزه با ظلم و ستمگری در یک دسته جمع شد، بدانید آنها روحانیون حقیقی هستند و شما سعی کنید اطراف شمع وجود آنها جان بدهید.

ریاکاری و زهد فروشی و اغفال مردم ساده لوح و خودخواهی و به خلوت رفتن و آن کار دیگر کردن، هر قدر شما در جلوه‌گری در محراب و منبر تخصص به رنج بدهید، یک پول سیاه ارزش ندارد و نتیجه‌اش آن می‌شود که دیدید. مگر حقایق اسلامی و اصولی که پایه سعادت بشر بر روی آن استوار شده نباید از زبان علما و پیشوایان ربانی و روحانی شنیده شود؟ کو، کجا؟ به من یک حوزه علمیه روحانی نشان بدهید. یک کتاب دینی نظیر تاریخ زندگی حضرت محمد تألیف وزیر سابق فرهنگ به جامعه نشان بدهید که یکی از این آقایان تألیف کرده باشند. خدا مرحوم شیخ محمد رضا مسجد شاهی را رحمت کند که یکی دو جلد از کتاب‌های او سبب افتخار عالم روحانیت اسلام و ایران است و همان کتاب‌هاست که از فرط عظمت مقام علمی مؤلفش در جامع ازهر

مصر تدریس می‌شود. راستی چرا ما یک جامع ازهر نداریم و چرا یکی از مدارس نظیر نظامیه بغداد در سرتاسر کشور ما موجود نیست؟ تمام مشکلات کوه‌پیکری که هر روز و هر ساعت جلو چشم ما دخیل [= رژه] می‌دهد، از این کشور رخت نمی‌بندد، مگر در سایه اتحاد و یگانگی و وحدت نظر؛ و این یگانگی به دست نمی‌آید مگر در زیر لوای دین و ایمان به مبادی دینی و این لوای مقدس را هیچ کس نمی‌تواند در دست بگیرد، مگر افراد هوشیار و با ایمان که توانسته‌اند نظر مردم را به روحانیت ساده و بی‌ریا و خداجویانه خود جلب کنند»^{۲۰}.

پس از نشر رساله «نقد فلسفه داروین» عکس‌العمل‌های گوناگونی نسبت به بدان رخ داد. برخی چون خود شبلی شمیل به گمان آنکه این اثر از جانب یک روحانی نجفی - ایرانی به رشتهٔ تحریر آمده، بدان وقعی نهادند؛ برخلاف آنکه چنانچه خواهد آمد، بنیاد این اثر، بر

۲۰. قیام آیه الله حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی؛ ص ۷۰ - ۷۱.

منابع

۱. رضا استادی؛ چهل مقاله؛ کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۱ ش.
۲. الحسینی الاسدآبادی الافغانی، السيد جمال الدين؛ رسائل في الفلسفة والعرفان؛ إعداد السيد هادی خسروشاهی؛ تهران: مؤسسة الطباعة والنشر، ۱۴۱۷ ق.
۳. باربوز، ايان؛ علم و عمل؛ ترجمه بهاء الدين خرمشاهی؛ تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۷۹ ش.
۴. شمیل، شبلی؛ فلسفة النشوء والارتقاء؛ المقتطف، ۱۹۰۰ م.
۵. نجفی، شیخ هادی؛ قبيله عالمان دين؛ قم: عسگریه، ۱۳۸۱ ش.
۶. رسا، سيد اسد الله؛ قيام آية الله حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی؛ تهران: مؤسسه مطالعات تاريخ ايران، ۱۳۸۴ ش.
۷. طرابيشی، جورج؛ معجم الفلاسفة؛ بيروت: ۱۹۸۷ م.
۸. النجفی، الشيخ محمد رضا؛ نقد فلسفه داروین؛ نجف، [بی نا]، ۱۳۳۰ ق.